

۱۷۵/۱۷

یشِ پوچ درمانی و منفی درمانی!



(چگونه معناگرا و مثبت اندیش نباشیم!)

سرشناسه: کریمی، عبدالعظیم، ۱۳۳۴-
عنوان و نام پدیدآور: روان درمانی سببی چگونه معناگرا و مثبت‌اندیش می‌باشد؟
عبدالعظیم کریمی

مشخصات نشر: تهران: وزارت آموزش و پرورش، معاونت پرورشی، موسسه
فرهنگی منادی تربیت، ۱۳۹۵.

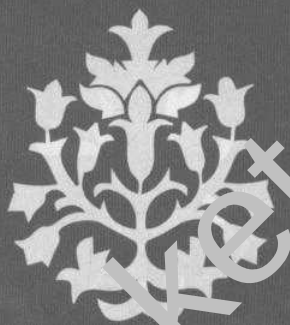
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۵۴-۷
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: روان‌درمانی وجودی

شناسه افزوده: ایران. وزارت آموزش و پرورش، موسسه فرهنگی منادی تربیت

ردیف‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ک ۴۴۱/۹۷/۴۸۹ RC

ردیف‌بندی دیوبنی: ۶۱۶/۸۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۹۸۲۹۴



روان درمانی سببی

نویسنده: دکتر عبدالعظیم کریمی

صفحه‌آرایی و طرح جلد: گروه گرافیک آوند

لیتوگرافی: چاپخانه انتشارات جنگل

چاپ و صحافی: چاپخانه انتشارات جنگل

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN 978-600-390-054-7

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۰-۰۵۴-۷

Email: info@monadi.org

WWW.monadi.org

تهران: خیابان استاد نجات‌الهی، بین چهارراه سمیه و طالقانی، کوچه پیمه، پلاک ۲۶، تلفن

تلفن موسسه: ۸۸۹۱۸۵۲

سفارشات و پخش: ۰۹۲۰۱۷۱۴۵۸۵

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال



۵	گزین های آغازین
۱۱	پیش آگهی
۱۹	مقدمه
۴۹	چرا روان درمانی سلبی
۱۳۱	درد درمانی درد افزا
۱۳۷	منفی درمانی مثبت زا
۱۹۷	معنادرمانی معنازدا
۲۲۵	قرار درمانی سلبی
۲۴۹	پوچ درمانی معناگرا
۳۱۱	گزین های فرجامین
۳۲۳	منابع

این قصه عجب شنو از بخت و از گون
ما را بکشت یار، به انفاس عیسوی
حفظ

تری ایگلتون^۱ نظریه‌پرداز ادبی بریتانیایی در پیش گفتار کتاب معنای زندگی نام «معنای زندگی» مطلب طنز آمیزی را نوشته است و می‌گوید: آدمی که آن قدر نام باشد که کتابی با این عنوان بنویسد باید این انتظار را هم داشته باشد که صنوف ادبی‌اش مملو از نامه‌هایی شود که با دست نویس‌های کج و معوج طرح‌های نمادین و ظریف برای ارسال کنند معنای زندگی موضوع مناسبی برای آدم‌های «دیوانه» و یا «خنده دار» است و من امینوارم بیشتر به گروه دوم تعلق داشته باشم.^۲

با اقتباس از این طنز نیش آگین، بی‌مناسبت نخواهد بود که خوانندگان این اثر با دیدن عنوان نامانوس و نامعقول این کتاب نیز افزون بر دیوانه خواندن مولف، به جای خندیدن،

۱- Terry Eagleton

۲- ر. ک. معنای زندگی. تری ایگلتون. ترجمه عباس مخبر. انتشارات آگه. ص ۹

بر حال او گریه کنند، زیرا زمانی که صدها کتاب و هزاران گفتار و نوشتار در باب معنا درمانی و مثبت اندیشی و مثبت نگری منتشر می شود و دهها نظریه و رویکرد در پی صورت بندی شیوه های معنا درمانی برای حل مشکلات بشر امروز هستند تا آنها را از پوچ گرایی و منفی گرایی و منفی نگری نسبت به زندگی نجات دهند، اکنون در این حران بی معنایی و رواج پوچ گرایی، این عنوان عجیب و غریب، به جای امید دادن و نوید بخشیدن و تزریق انرژی مثبت به جامعه سوگناک و گذاشتن مرهمی بر این زخم اسفناک، با بیرحمی و سنگ دلی تمام به طرح و نشر و ترویج «گفتمان پوچ درمانی، منفی گرایی» در جامعه پرداخته است!

غافل از آنکه یکی از بنیادیندترین و در عین حال بیم انگیزترین پرسش هایی که در باب معنای زندگی، پوچ مانع است این است که چرا بشر در بیرون از خویش به دنبال معنای زندگی می گردد و با زندگی را بی نیاز از معناهای برساخته نمی تواند تحمل کند؟

پس از کشف پاسخ به این پرسش، آنگاه خواننده دل نگران از این عنوان «منفی نما» با نویسندۀ هم دل و هم داستان خواهد شد که راهی برای کشف معنای زندگی هیچ راهی جز تخریب معنای ساختگی (پوچ درمانی) با روش سلبی و نگاه منفی نگرانه به آنچه به راستی مثبت نیست نخواهد بود و یگانه طریقی برای از پوچ گرایی، پوچ دانستن روش های مثبت اندیشی و مثبت انگاری فریبندۀ و عبور سبعاثر از آن و سازی های واهی در زندگی حقیقی می باشد.

پس در روان درمانی سلبی، هم انکار هست و هم اذعان؛ انکار و نفی درمان های فریبندۀ و معنابخشی ها و مثبت انگاری های وهم انگیز، و اذعان به درمان گری و معنایابی و مثبت بینی که در پی آن ویرانی بالنده روش های فریبندۀ حادث می شود.

نخستین گام، انکار و نفی و ویرانی است که حاصل «صعود در خود» است و دومین گام، اذعان و ایمانی که منجر به «طلوع در خود» می شود. هر دو فرآیند متضاد، رسیدن

به آن یگانه مطلق است که پس از درد و رنجی طربناک پدیدار می‌شود. (انک کادج
الی ربک فملاقیه، انشفاق آیة ۶)

اما دشواری طاقت فرسا اینجاست که ما در دام ذهنیت‌های ناروا از روان‌درمانی به
ظاهر روا گرفتار آمده ایم و خروج از این دام به مثابه شکستن هسته اتم خواهد بود که
به تجربه همه شیرازه‌های وجود و سازه‌های بنیادین فهم و ادراک ما از ماهیت زندگی
و معنای زندگی و نیز روان‌درمانی دگرگون خواهد شد. ما در این جهان نا به سامان
سعی در ساختن دام‌های جبری هستیم که وجود خارجی ندارد و صرفاً در سراب زندگی به
دنبال معنا و خوشبختی به زندگی هستیم؛ ما ناهوشیارانه می‌آموزیم که هوشیار نشویم؛ ما
فعالانه می‌آموزیم، فعال نباشیم؛ ما عالمانه می‌آموزیم که غافل باشیم و ما مشتاقانه
یاد می‌گیریم که هیچ یاد نگیریم. این سبب است که از «بود» خود خارج گشته ایم
و بر «نمودهای بی بود» امید بسته ایم.

نخست ما بودیم و اما هم اکنون نیستیم. در برابر ما خویش باید نماز میت خوانده شود.
زیرا آن کسی که نیست آن گونه که باید باشد او مرده است.

اما در روان‌درمانی‌های امروز با شیوه‌های تخریری، هیپنوتیزمی، فلدباواقعیت بیرونی
او پوشانده می‌شود و به همین سبب این درمان‌گری‌ها، خود موجب بیماری‌هایی از نوع
دیگر می‌شوند. به قول صاحب کتاب روضه الفریقین:

«عالمی بینی پر از مجروحان زخم دنیا و معالجت کنندگانی مجروح‌تر از مجروحان»
نقل قولی از اسلاوی ژیزک^۲؛ فیلسوف، نظریه‌پرداز، جامعه‌شناس و منتقد فرسنگی
در نقد روان‌درمانی‌های رایج، ما را به عمق فریبندگی این جریان‌های سطحی آگاه
می‌کند آنجا که می‌گوید: «این واپسین تناقضی است که باید به ذهن بسپاری «روان
شناسی سازی» زندگی اجتماعی امروز، سیل کتاب‌های راهنمای روان‌شناختی از دیل
کارنگی گرفته تا جان گری که همه می‌کوشند متقاعدمان کنند که راه خوشبختی را

باید درون خودمان، در بلوغ روانی و خودیابی امان جست و جو کنیم». این روان شناسی زدگی، پوششی ریاکارانه است که جنبه معترض و مخالف خود، یعنی چند پارگی و استحاله‌ی رو به گسترش روان شناختی تجربه‌های شخصی را می‌پوشاند. مردم بیش از گذشته شبیه آدمک‌ها مدام پیامی از پیش ضبط شده را طوطی وار تکرار می‌کنند. به عنوان نمونه واعظان عصر جدید را به یاد بیاورید که از ما می‌خواهند خود حقیقی خود را کشف کنیم. آیا این همان سبک کلام مذکور نیست؟ سبکی که در آن تکرار جمله‌های از سر تلقین شده به گونه‌ای ماشینی، اصل پیام را نقض می‌کند؟ این مطلب شاید تاثیر واعظان عصر مدرن را توجیه کند. حال آنکه در پشت طرز برخورد مهربانانه‌ی آنها جلوه‌ی «هرمنی هولناکی در کمین است»^۴ ویلیام وایت در کتاب «انسان سازمانی» هشدار می‌دهد که سمنان انسان مدرن شاید گروهی از درمان گران با ظاهری آرام و متین باشند که دارند ما را می‌کنند تا به شما کمک کنند.^۵ اما این یاری کردن در واپسین دم بجای درمان درد، درد را از شکلی به شکلی دیگر جابجا می‌کند بی آنکه درمان جو از ساز و کار پنهان آن آگاه شود.

این چنین است که مولانا در وصف این «رمان دین خدعه گر» به ما هشدار می‌دهد که مراقب باشیم تا این راهزنان زرستان با درمان‌های بی‌خاصیت ما را در دام نیندازند.

خادع دردند درمان‌های زور

رهزنند و زرستانان رسم باور

۴ - به نقل از کتاب روان درمانی چیست. محمد پور، ص ۱۰

۵ - به نقل از روان شناسی وجودی، رولو می، ص ۱۹